

تبدیل هیئت عیسی

¹ و بعد از شش روز، عیسی، پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته، ایشان را در خلوت به کوهی بلند برد.² و در نظر ایشان هیأت او متبدل گشت و چهره‌اش چون خورشید، درخشنده و جامه‌اش چون نور، سفید گردید.³ که ناگاه موسی و الیاس بر ایشان ظاهر شده، با او گفتگو می‌کردند.⁴ اما پطرس به عیسی متوجه شده، گفت که: خداوند، بودن ما در اینجا نیکو است. اگر بخواهی، سه سایبان در اینجا بسازیم، یکی برای تو و یکی بجهت موسی و دیگری برای الیاس.⁵ و هنوز سخن بر زبانش بود که ناگاه ابری درخشنده بر ایشان سایه افکند و اینک، آوازی از ابر در رسید: که این است پسر حیب من که از وی خشنودم. او را بشنوید!⁶ و چون شاگردان این را شنیدند، به روی در افتاده، بی‌نهایت ترسان شدند.⁷ عیسی نزدیک آمده، ایشان را لمس نمود و گفت: برخیزید و ترسان مباشید!⁸ و چشمان خود را گشوده، هیچ کس را جز عیسی تنها ندیدند.⁹ و چون ایشان از کوه به زیر می‌آمدند، عیسی ایشان را قدغن فرمود که تا پسر انسان از مردگان برنخیزد، زنه‌ار این رؤیا را به کسی باز نگویید.¹⁰ شاگردانش از او پرسیده، گفتند: پس کاتبان چرا می‌گویند که می‌باید الیاس اول آید؟¹¹ او در جواب گفت: البته الیاس می‌آید و تمام چیزها را اصلاح خواهد نمود.¹² لیکن به شما می‌گویم که: الحال الیاس آمده است و او را نشناختند، بلکه آنچه خواستند با وی کردند؛ به همانطور پسر انسان نیز از ایشان زحمت خواهد دید.¹³ آنگاه شاگردان دریافتند که درباره‌ی یحیی تعمیددهنده بدیشان سخن می‌گفت.

عیسی شفا می‌کند مصروع را

¹⁴ و چون به نزد جماعت رسیدند، شخصی پیش آمده، نزد وی زانو زده، عرض کرد:¹⁵ خداوند، بر پسر من رحم کن زیرا مصروع و به شدت متألم است، چنانکه بارها در آتش و مکرراً در آب می‌افتد.¹⁶ و او را نزد شاگردان تو آوردم، نتوانستند او را شفا دهند.¹⁷ عیسی در جواب گفت: ای فرقه بی‌ایمان کج رفتار، تا به کی با شما باشم و تا چند متحمل شما گردم؟ او را نزد من آورید.¹⁸ پس عیسی او را نهیب داده، دیو از وی بیرون

یسوع يتجلى على الجبل

¹ وَبَعْدَ سِتَّةِ أَيَّامٍ أَخَذَ يَسُوعُ پَطْرُسَ وَيَعْقُوبَ وَيُوحَنَّا، أَحَاهُ، وَصَعِدَ بِهِمْ إِلَى جَبَلٍ غَالٍ مُتَعَرِّدِينَ.² وَتَغَيَّرَتْ هَيْئَتُهُ فُضَاءَهُمْ وَأَصْنَاءَ وَجْهِهِ كَالشَّمْسِ وَصَارَتْ ثِيَابُهُ بَيَاضاً كَالنُّورِ.³ وَإِذَا مُوسَى وَإِيلِيَّا قَدْ ظَهَرَا لَهُمْ يَتَكَلَّمَانِ مَعَهُ.⁴ فَجَعَلَ پَطْرُسُ يَقُولُ لِيَسُوعَ: يَا رَبِّ، جَيِّدٌ أَنْ تَكُونَ هَهُنَا، فَإِنْ شِئْتَ تَصْنَعْ هُنَا ثَلَاثَ مِظَالٍ: لَكَ وَاحِدَةٌ وَلِمُوسَى وَاحِدَةٌ وَلِإِيلِيَّا وَاحِدَةٌ.⁵ وَفِيمَا هُوَ يَتَكَلَّمُ إِذَا سَحَابَةٌ ثَبَرَةٌ ظَلَّلَتْهُمْ وَصَوْتُ مِنَ السَّحَابَةِ قَائِلًا: هَذَا هُوَ ابْنِي الْحَبِيبُ الَّذِي بِهِ سُرِرْتُ، لَهُ اَسْمَعُوا.⁶ وَلَمَّا سَمِعَ التَّلَامِيذُ سَقَطُوا عَلَى وُجُوهِهِمْ وَخَافُوا خِيفَةً جَدًّا. فَجَاءَ يَسُوعُ وَلَمَسَهُمْ وَقَالَ: قُومُوا وَلَا تَخَافُوا. قَرَفَعُوا أَعْيُنَهُمْ وَلَمْ يَرَوْا أَحَدًا إِلَّا يَسُوعَ وَحْدَهُ.

⁹ وَفِيمَا هُمْ تَارِلُونَ مِنَ الْجَبَلِ أَوْصَاهُمْ يَسُوعُ قَائِلًا: لَا تُعْلِمُوا أَحَدًا بِمَا رَأَيْتُمْ حَتَّى يَقُومَ ابْنُ الْإِنْسَانِ مِنَ الْأَمْوَاتِ.¹⁰ وَسَأَلُهُ تَلَامِيذُهُ قَائِلِينَ: فَلِمَاذَا يَقُولُ الْكِتَبَةُ إِنَّ إِيلِيَّا يَنْبَغِي أَنْ يَأْتِيَ أَوَّلًا؟¹¹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: إِنَّ إِيلِيَّا يَأْتِي أَوَّلًا وَبَرُّدُ كُلِّ شَيْءٍ.¹² وَلَكِنِّي أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ إِيلِيَّا قَدْ جَاءَ وَلَمْ يَعْرِفُوهُ بَلْ عَمِلُوا بِهِ كُلَّ مَا أَرَادُوا، كَذَلِكَ ابْنُ الْإِنْسَانِ أَيْضًا سَوْفَ يَتَأَلَّمُ مِنْهُمْ.¹³ جَبْنِيذُ فَهَمَّ التَّلَامِيذُ أَنَّهُ قَالَ لَهُمْ عَنْ يُوَحَنَّا الْمَعْمَدَانِ.

یسوع يشفي صبي مصروع

¹⁴ وَلَمَّا جَاءُوا إِلَى الْجَمْعِ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَجُلٌ جَانِبًا لَهُ¹⁵ وَقَائِلًا: يَا سَيِّدُ، ارْحَمِ ابْنِي فَإِنَّهُ يَصْرَعُ وَتَأَلَّمَ شَدِيدًا، وَيَقَعُ كَثِيرًا فِي النَّارِ وَكَثِيرًا فِي الْمَاءِ.¹⁶ وَأَخْصَرْتُهُ إِلَى تَلَامِيذِكَ فَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَشْفَوْهُ.¹⁷ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: أَيُّهَا الْجِيلُ غَيْرُ الْمُؤْمِنِ الْمُطْلُوبِ، إِلَى مَتَى أَكُونُ مَعَكُمْ؟ إِلَى مَتَى أَحْتَمِلُكُمْ؟ قَدِّمُوهُ إِلَيَّ هَهُنَا.¹⁸ فَاتَّهَرَهُ يَسُوعُ فَخَرَجَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ. فَسَفِيَ الْغَلَامُ مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ.

¹⁹ ثُمَّ تَقَدَّمَ التَّلَامِيذُ إِلَى يَسُوعَ عَلَى انْفِرَادٍ وَقَالُوا: لِمَاذَا لَمْ تَقْدِرْ نَحْنُ أَنْ نُخْرِجَهُ؟²⁰ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: لِعَدَمِ إِيْمَانِكُمْ. فَالْحَقُّ أَقُولُ لَكُمْ: لَوْ كَانَ لَكُمْ إِيْمَانٌ مِثْلُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ لَكُنْتُمْ تَقُولُونَ لِهَذَا الْجَبَلِ: انْقَلِبْ مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ، فَيَنْقَلِبُ وَلَا يَكُونُ شَيْءٌ غَيْرُ مُمَكِّنٍ لَدَيْكُمْ.²¹ وَأَمَّا هَذَا الْجِنْسُ فَلَا يَخْرُجُ إِلَّا بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ.

یسوع يبنى بقلته وقيامته مرة ثانية

²² وَفِيمَا هُمْ يَتَرَدَّدُونَ فِي الْجَبَلِ قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: ابْنُ الْإِنْسَانِ سَوْفَ يُسَلَّمُ إِلَى أَيْدِي النَّاسِ فَيَقْتُلُونَهُ وَفِي

شد و در ساعت، آن پسر شفا یافت.

¹⁹ اما شاگردان نزد عیسی آمده، در خلوت از او پرسیدند: چرا ما نتوانستیم او را بیرون کنیم؟ ²⁰ عیسی ایشان را گفت: به سبب بی‌ایمانی شما. زیرا هرآینه به شما می‌گویم: اگر ایمان به قدر دانه خردلی می‌داشتید، بدین کوه می‌گفتید از اینجا بدانجا منتقل شو، البتّه منتقل می‌شد و هیچ امری بر شما محال نمی‌بود. ²¹ لیکن این جنس جز به دعا و روزه بیرون نمی‌رود.

دومین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

²² و چون ایشان در جلیل می‌گشتند، عیسی بدیشان گفت: پسر انسان بدست مردم تسلیم کرده خواهد شد، ²³ و او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست. پس بسیار محزون شدند.

درباره مالیات معبد

²⁴ و چون ایشان وارد کفرناحوم شدند، محصلان دو درهم نزد پطرس آمده، گفتند: آیا استاد شما دو درهم را نمی‌دهد؟ ²⁵ گفت: بلی. و چون به خانه درآمده، عیسی بر او سبقت نموده، گفت: ای شمعون، چه گمان داری؟ پادشاهان جهان از چه کسان عشر و جزیه می‌گیرند؟ از فرزندان خویش یا از بیگانگان؟ ²⁶ پطرس به وی گفت: از بیگانگان. عیسی بدو گفت: پس یقیناً پسران آزادند. ²⁷ لیکن مبادا که ایشان را برنجانیم، به کناره دریا رفته، قلابی بیندازو اوّل ماهی که بیرون می‌آید، گرفته و دهانش را باز کرده، مبلغ چهار درهم خواهی یافت. آن را برداشته، برای من و خود بدیشان بده!

الْيَوْمَ الثَّالِثَ يَقُومُ. فَحَزَبُوا جِدًّا.

یسوع یوفی ضریبه الهيكل

²⁴ وَلَمَّا جَاءُوا إِلَيَّ كَفَرَنَّا حَوْمَ تَقَدَّمَ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ الدَّرَهَمَيْنِ إِلَى بُطْرُسَ وَقَالُوا: أَمَا يُوفِي مُعَلِّمُكُمْ الدَّرَهَمَيْنِ؟ ²⁵ قَالَ: بَلَى. فَلَمَّا دَخَلَ الْهَيْتَ سَبَقَهُ يَسُوعُ قَائِلًا: مَاذَا تَطُنُّ، يَا سَمْعَانُ؟ مِمَّنْ يَأْخُذُ مَلُوكُ الْأَرْضِ الْجَنَابَةَ أَوِ الْجَزْيَةَ: أَمِنْ بَيْنِهِمْ أَمْ مِنَ الْأَجَانِبِ؟ ²⁶ قَالَ لَهُ بُطْرُسُ: مِنَ الْأَجَانِبِ. قَالَ لَهُ يَسُوعُ: فَإِذَا الْبُتُونُ أَحْرَارٌ. ²⁷ وَلَكِنْ لِنَلَّا نَغْتَرَهُمْ، اذْهَبْ إِلَى الْبَحْرِ وَأَلْقِ صِنَارَةً وَالسَّمَكَةُ الَّتِي تَطْلُعُ أَوَّلًا خُذْهَا. وَمَتَى فَتَحْتَ فَاهَا تَجِدْ إِسْتَارًا، فَخُذْهُ وَأَعْطِهِمْ عَنِّي وَعَنْكَ.